



## چرا اصولگرایان باید «خرد و توسعه» داورى را بخوانند؟

انتشار کتاب «خرد و توسعه»، می‌تواند بهانه‌ای باشد برای گفت‌وگویی جدی غرب‌ستیزان با چهره ماندگار فلسفه، استاد رضا داورى اردکانی. اواخر شهریور خبر انتشار کتاب فیلسوف برجسته معاصر، استاد رضا داورى اردکانی، به نام «خرد و توسعه»<sup>۱</sup>، منتشر شد. گویا نخستین مطلب این کتاب، سرمقاله دکتر رضا داورى اردکانی برای شصت و چهارمین شماره نشریه فرهنگستان علوم (بهمن ماه ۱۳۹۶) با عنوان «خرد پیشرفت و توسعه» است. در زمان انتشار این مقاله، خلاصه‌ای از آن را منتشر کردم و خبر انتشار آن در قالب «کتاب» مسرت‌بخش بود. رضا داورى اردکانی پس از عمری خردورزی فیلسوفانه در دهه نهم زندگی، شجاعانه، واقع‌بینانه و متواضعانه به نقد آراء و نظرات خود می‌پردازد و برای نمونه در مصاحبه‌ای، از دور پایدانی و نه نقطه پایان ۲ تمدن غرب، تعریف «توسعه‌نیافتگی» و جایگزینی آن با «غرب‌زدگی»، برابر قرار ندادن غرب متجدد با «نفسانیت»<sup>۳</sup>، تأکید بر ترکیب ات‌حادی و نه انضمامی جامعه، تفکیک اعتماد به نفس و توهّم «همه‌توانی»، توجه به تفاوت امکان و شرایط امکان<sup>۴</sup> و توسعه‌نیافتگی و «زمان» می‌گوید.

مهم‌تر از همه این‌که این فیلسوف شهیر، امروز و در اثر اخیرش، از ضرورت «توسعه» می‌گوید و این‌که توسعه اکنون صرفاً «یک انتخاب» نیست، و فقدان آن را زمینه‌ساز «پریشانی و فقر و بیماری و بی‌کاری و نومیدی و عصیان» می‌داند. اما ظاهراً غرب‌ستیزان هیچ علاقه‌ای به خواندن و شنیدن داورى و گفت‌وگو با او ندارند (نه مدعیان و نظریه‌پردازان علوم انسانی اسلامی، و نه تهیه‌کنندگان برنامه‌هایی مانند «زایوه»، «راز» و «جهان‌آرا» و نه خطبای این جریان). آرمان‌گرایان متوهّم وطنی، یا توان فهم مدّعی داورى را ندارند، و صرفاً به نقد سطحی و تکه پارچه خود از غرب دل‌خوش‌اند، یا قوت هم‌وردی با او را در خود نمی‌بینند. اگر آرمان‌گرایان تندوتیز کنونی که بر الگوهای بومی، ترکیبی، من‌درآوردی، بزک‌شده (اما همچنان غریبی)، و ... اصرار دارند، هوش‌بهر و خردورزی و ژرفای اندیش داورى را داشته باشند، شاید امروز «داورى»، فردای آنان باشد، اما دیر... برای کسانی که این کتاب را نخوانده‌اند، شاید این جمله استاد، انگیزه‌بخش باشد: سخن‌سرایی دربار «جهانی متفاوت با جهان تجدد» در پس ظاهر موج‌هائش، «هیچ مضمون، باطن و ضامنی برای تحقق» ندارد، به‌ویژه که «صاحبان آن نسبت به

پربشانی و فساد شایع و فقدان چشم‌انداز آینده، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند»، ... «هر راهی از جایی آغاز می‌شود و از هر جا به هر جای وهمی دیگر نمی‌توان پرید».

پی نوشت ها

۱ - کتاب «خرد و توسعه» تألیف دکتر رضا داوری اردکانی در شهریور ۱۳۹۷ در ۳۷۰ صفحه توسط انتشارات سخن به چاپ رسیده است.

۲ - فریب لفظ «پایان» را خوردم و توجه نکردم که «پایان تاریخ» مثل پایان زندگی انسان نیست و چه بسا پایان یک دور تاریخی یا دوران پایانی یک تاریخ، قرن‌ها طول بکشد.

۳ - چهل سال پیش سهوی کردم و غرب متجدد را «نفسانیت» (یعنی ظهور انسان به عنوان سوژه و موجود متصرف و همه‌کاره در جهان) خواندم. این لفظ، چنین معنایی را افاده نمی‌کرد و طبیعی بود که خواننده تعجب کند که چه صفت بدی به جهان «علم» و «تکنولوژی» و «آزادی» داده‌ام. غرب به‌طور کلی و مخصوصاً غرب جدید، جهان «فلسفه» و «هنر» و «علم» و «تکنولوژی» است و این‌ها را به نفسانیت به معنی روان‌شناسی و اخلاقی آن نمی‌توان بازگرداند. غرب جدید یکسره شوم و پلید نیست، بلکه از ابتدا جهانی پُر از تضادها و تعارض‌های پنهان و آشکار بوده و به تدریج تعارض‌های پنهان آن قدری آشکار شده است.

۴ - گذر از تاریخ غربی و بنای نظمی دیگر را ممکن می‌دانم و در جوانی آن را بسیار نزدیک می‌دانسته‌ام، اما اکنون بیشتر به «شرایط» این امکان می‌اندیشم و کار اهل فلسفه اندیشیدن به «شرایط امکان» امور و دگرگونی‌هاست. پس اگر «امکان» را به معنی «امکان خاص» بگیرید، هر جهان بشری، ممکن است.